

ایستاد هفت

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳



چو یا جهانبخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابایی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
اریا طبیب‌زاده | رقیبه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم‌مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شمسواری | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک‌زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدری | علی ایمانی ایمانی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل‌دژه | امید طبیب‌زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنجان «بشیر» می‌آید | مقتل الحسین (ع) ابو حاتم، محمد بن حبان بسنی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: منتفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه‌گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه‌زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه‌های شکسته (۱۰)

یادداشت‌های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت‌های شاهنامه (۸) | چاپ‌نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس‌الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعدالطبیعه ارسطو اثر شرف‌الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست‌آینه پژوهش: ♦ سلسله‌مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رینه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

تحفة البره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی

عضو وابسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی | مریم حسینی

| ۴۷۳ - ۴۸۷ |

۴۷۳

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

چکیده: کتاب تحفة البره فی مسائل العشرة از آثارى است که در میان عارفان پس از قرن ششم هجری مورد توجه و استناد بوده است. این کتاب نوشته مجدالدین بغدادی (۵۵۴-۶۰۶ ق.) از چهره‌های برجسته عرفان و تصوف است که بعدها نام وی را در زمره پیران طریقت کبرویه جای دادند. تحفة البره در متون عرفانی پس از خود بسیار تأثیرگذار بوده و سالکان طریق به طریقت آن اقتدا کرده و مطالب آن را در کتابهای خود آورده‌اند. در این پژوهش به اهمیت این کتاب نزد شمس الدین محمد بن احمد الحلبي البسطامی الأطعانی (۷۴۸-۸۰۷ ق.) از عارفان قرن هشتم توجه می‌شود و بخش‌های منقول از کتاب تحفة البره در دو کتاب تذکرة المرید لطلب المرید و روضة الحبور و معدن السوروی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. نقل از کتاب تحفة البره در حدود دویست سال پس از نگارش آن، نشان از اهمیت و ارجح آن نزد عارفان دارد. جز این الأطعانی تأثیر این کتاب را می‌توان در آثار دیگر عارفان از شرق تا غرب سرزمینهای اسلامی، در کتاب خیرالمجالس حمید قلندر تا منارات السائرین نجم رازی و مجالس عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن اسفراینی مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: تحفة البره فی مسائل العشرة، مجدالدین بغدادی، شمس الدین محمد بن احمد الحلبي البسطامی الأطعانی، سلسله کبرویه، ادبیات صوفی.

Tuḥfat al-Barrara of Majd al-Dīn Baghdādī in the Works of Shams al-Dīn Muḥammad al-Aṭṭānī
Maryam Hosseini

Abstract: The *Tuḥfat al-Barrara fī Masā'il al-ʿAshara* by Majd al-Dīn Baghdādī (554–606/1159–1209) is among the most important works produced by Sufi masters after the 6th/12th century. Baghdādī, a prominent mystic later counted among the spiritual guides of the Kubrawīyya order, exerted wide influence through this text. The work deeply impacted later Sufi writings, with seekers of the path following its guidance and integrating its materials into their own treatises. This study focuses on the significance of the *Tuḥfat al-Barrara* for Shams al-Dīn Muḥammad b. Aḥmad al-Ḥalabī al-Buṣṭāmī al-Aṭṭānī (748–807/1347–1405), a distinguished mystic of the 8th/14th century. It examines passages transmitted from Baghdādī's work in his *Tadbkirat al-Murīd li-Talab al-Mazīd* and *Rawḍat al-Ḥubūr wa-Ma'ādin al-Surūr*. The fact that the *Tuḥfat al-Barrara* was cited nearly two centuries after its composition in the western Islamic lands demonstrates its enduring value and authority among mystics of those regions. Beyond Ibn al-Aṭṭānī, the influence of the *Tuḥfat al-Barrara* can also be traced in the works of other mystics: from *Khayr al-Majālis* by Ḥamid Qalandar to *Manārāt al-Sā'irīn* by Najm Rāzī in the eastern Islamic lands, and in Baghdad within the assemblies of 'Abd al-Raḥmān b. Muḥammad b. 'Abd al-Raḥmān Isfārāyīnī.

Keywords: *Tuḥfat al-Barrara*; Majd al-Dīn Baghdādī; Shams al-Dīn Muḥammad al-Aṭṭānī; Kubrawīyya order; Sufi literature; intertextual receipt.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

درباره مجدالدین بغدادی

ابوسعید شرف بن مؤید، از عرفای اواسط قرن ششم و اوایل قرن هفتم، از مریدان شیخ نجم الدین کبری و خود از پیران برجسته روزگار بود. او از مردم بغداد یکی از نواحی خوارزم بود که یاقوت آن را بغیدید یا بغداد کوچک نامیده است^۱. مجدالدین در نامه ای خود را بغدادی نامیده^۲ و در تاریخ به همین لقب شهرت یافته است. او به فرمان محمد خوارزمشاه به جیحون افکنده و شهید می شود. محمد عوفی صاحب تذکره لباب الالباب با او دیدار داشته و از وی چنین یاد میکند:

«الشیخ الامام الشهید مجد الملة والدين قطب المشايخ شرف بن المؤید البغدادی رحمه الله

شیخ شیوخ مجدالدین بغدادی کان فضل و آبادی بود، در علم طب ابدان، مسیح زمان، و نادره کیهان و در خدمت ملوک و سلاطین روزگار قربتی تمام یافته بود ناگاه برق محبت الهی بر اطلال و رسوم نهاد او بجست و جملگی تجمل و مهتری او را بسوخت، بلک هستی او را محو کرد، از سر جملگی دنیا برخاست و در خدمت شیخ نجم الدین کبری ملازم شد و پانزده سال در خوارزم ریاضت های شگرف کرد و آخر الامر شیخ الشیوخ حضرت خوارزم شد و هرگز در خوارزم کس را آن مکنت نبوده ست که او را بود و آخر الامر به سعادت شهادت رسید و روزی در خوارزم از لفظ مبارک او شنیدم. غزل: هر آن کسی که ز هجران سپر بیندازد ز عشق خویش به عشق کسی نپردازد...»^۳

توصیف وی را از زبان مرید یگانه اش در تفسیر عین الحیات بشنویم:

شیخی و شیخ العالم... ابوسعید شرف بن المؤید بن ابی الفتح البغدادی الملقب بالمجد رضی الله عنه و قدس الله روحه؛ خدمته بخوارزم خمس سنین، و أخذت منه طريقة السلوك و السير الى الله، و لی منه خرقة الولاية و اجازتها و اجازة الحديث و الروایت، ملازم فی خدمته، متشرفاً بصحبته الى أن استشهد ليلة الاثنين آخر، جمادی الآخر سنة ست و ستمائة برّد الله مضجعه...^۴

۱. معجم البلدان، یاقوت حموی یاقوت بن عبد الله. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۰۲.

۲. نامه مجدالدین بغدادی به شمس الدین، دستنویس مجلس شورای اسلامی شماره ۵۹۸ ص ۳۶۳

۳. تذکره لباب الالباب، عوفی، محمد بن محمد، به اهتمام ادوارد گرانویل براون. مصحح و مقدمه نویس محمد بن عبد الوهاب قزوینی، جلد: ۱، صفحه: ۲۹۲، ۱۳۶۱ ه. ش.، تهران - ایران، کتابفروشی فخر رازی

۴. تفسیر بحر الحقائق والمعانی فی تفسیر القرآن، نجم الدین رازی، دستنویس کتابخانه حسنی پاشا، تاریخ ۶۴۷ ق. شماره مکرر ۳۷، ص ۴.

رجعت على طريق اربين ودظت بلادها واقمت بها ثم رجعت الى اذربيجان وطفقت
 بلادها واقمت بها الى ان ترددت بين البلاد بامور ووقائع عجيبه عندهم
 حتى وقعت بتفليس بعد فتحها ورجعت الى اربان واذربيجان وخرق و فارس
 وخرستان وغيرها من بلاد العرب والحج ووجدت في كل هذه البلاد
 ونواحيها المشايخ المعبرين قدوة اهل السلوك فضلا عن وليا الله من اصحاب
 الكرامات والزهاد والعباد والشاكر وعن الخطا المنقذ والايمة المحدثين
 الذين رزقهم وتبركت بهم واستفدت منهم وقرأت عليهم وكل واحد منهم
 كان فريدا مرموزا ووجدت في وقته بلد في القبول **فاما** المشايخ
 المختبرون والعلماء الذين كانوا مخصوصين بالتسليك ممن خدمتهم و
 صحبتهم واستفدت منهم فاربعة هم شادان القوم وقادتهم بل سيد الجماعة
 وصناديدهم بل لوكلهم وسلاطينهم **فاما** اول **منهم** شيخ وشيخ العالم
 وقدوتي وقدوة الامم في العرب والحج الذي هو سيدي ومولاي ومن
 به في الله تولاى الشيخ السعيد الشهيد صفوة الله ابو سعيد شرف بن المولى
 ابي الفتح البغدادى الملقب بالمجدى رضي الله عنه وودس لله وجهه خدمته بحولزمه
 جس سنى واصدق منه طريقا لسلوك السير الى الله والى منه خرفة الولاية
 واجازتها واجازة الحديث والذات ملازما في خدمته منتشر فالصحة الى ان
 احتشد ليله لا نبر اضر حاكمي لراضته ست وستا به برذله مضجعه ونور
 ضريحه وجزاه متى خير جزا فاني ممن احياه الله بانفاسه الشريفية له اباد
 الى سابقه اعد منها ولا اعد **فاما** الثاني فالامام الرباني
 والشيخ الثوري سني وسني معتدي العالم بالحق حجة الله على
 الخلق ابو الخطاب احمد بن محمد بن عبد الله الحسيني الملقب بالشيخ الكبري

مدرسة شيخ
محمد بن محمد
وكان شهيدا
سنة ٦٠٦

مدرسة شيخ
الكبري
وكان شهيدا
سنة ٦٠٦

٤٧٤

آينه پژوهش | ٢١٣
سال | ٣٦ شماره ٣
مرداد و شهريور ١٤٠٤

اهمیت کتاب تحفة البرهه

تحفة البرهه فی مسائل العشره مهم ترین کتاب مدون مجدالدین بغدادی (م. ۶۰۶ ق.م) به زبان عربی است که از آن نسخه‌هایی در کتابخانه‌های جهان موجود است. این کتاب تا قرن‌ها مورد توجه صوفیان عالم اسلام بوده و ارجاعات بسیاری به آن شده است. این کتاب در تمام سرزمین‌های اسلامی شناخته شده بوده است. در نواحی شرقی در شبه قاره حمید قلندر در ملفوظات چراغ دهلی حکایتی از این کتاب را نقل می‌کند^۱. نجم رازی مرید مجدالدین بغدادی و صاحب کتاب مرصادالعباد نیز در کتاب منارات السائرین و مقامات الطائرین فصلهایی از کتاب را از روی کتاب تحفة البرهه رونویسی کرده و عیناً با ذکر منبع و تیمنا و تبرکا فصلهایی را به این کتاب اختصاص داده است^۲. و دستنویسی از این کتاب موجود است که نشان می‌دهد عبدالرحمن بن

محمد بن عبدالرحمن اسفراینی^۳

(۷۲۲-۷۹۷ ق.م) نوۀ عبدالرحمن

اسفراینی و از بزرگان معرفت در

سال ۷۹۱ ق.م در بغداد بر آن حاشیه

نوشته و این کتاب را به مجلس‌های

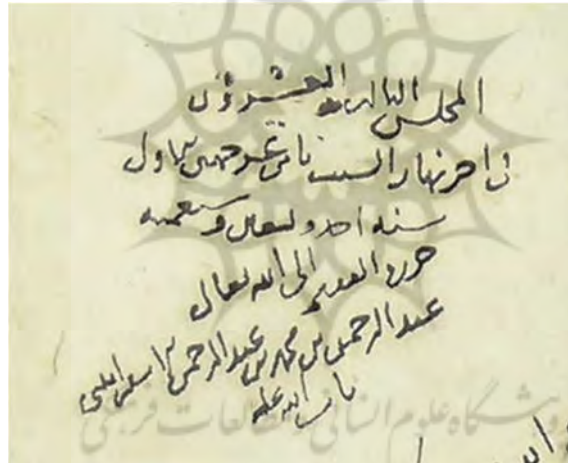
بیست و سه گانه‌ای تقسیم کرده، که

احتمالاً جهت تدریس در خانقاه و

مدرسه خود از آن سود می‌برده

است^۴. او در آخرین حاشیه اش بر

متن تحفة البرهه نوشته است:



۴۷۷

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. خیرالمجالس ملفوظات حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی، حمید قلندر، ۱۹۵۹، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات

خلیق احمد نظامی، انتشارات مسلم یونیورسیتی گده، ص ۲۶۶.

۲. منارات السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح سعید عبدالفتاح، قاهره: دارسعاد، ۱۹۹۳. ص ۴۰۴. و منارات

السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه: ۲۰۰۴، ص ۱۵۶.

۳. جز اینکه این عبدالرحمن عارفی نامدار و صوفی‌ای بزرگوار بوده باید از نقش سیاسی او در سفارت میان احمد جلایر و تیمور

گورکانی یاد کرد که شرح آن را جلالی نایینی در مقاله‌ای به تفصیل آورده و از نقش پراهمیت وی در حفظ دارالسلام بغداد

سخن رانده است. سفارت نورالدین عبدالرحمن اسفراینی، محمدرضا جلالی نایینی، نشریه وزارت امور خارجه ایران، شماره

۱۰، دوره دوم. همچنین بنگرید به: مشاهیر رجال اسفراین، غلامرضا فسنتقزی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس

رضوی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۹-۱۶۳.

۴. تحفة البرهه، دستنویس کتابخانه قره چلبی زاده، شماره ۳۵۳ صص ۷۷-۷۸.

المجلس الثالث والعشرون. فی آخر نهار السبت، ثامن عشر جمادی الاولی سنه احد و تسعین و سبعمائه. حرره الفقیر الی الله عبدالرحمن بن محمد بن عبدالرحمن اسفراینی. تاب الله علیه.

تحفة البرره کتابی است که به درخواست یکی از دوستان مجدالدین بغدادی در پاسخ به ده پرسش نگاشته شده است. این ده پرسش همواره در زمره مهم ترین پرسش های عارفان در طول تاریخ بوده است. در این کتاب مجدالدین بغدادی پاسخی به پرسش های یکی از مریدانش به نام احمد بن علی بن مهذب خواری/ خوارزمی^۱ دارد. وی در این پرسش ها مهم ترین مسائل مربوط به صوفیه درباره اعمال و عقاید صوفیان را از مجدالدین بغدادی پرسیده است. موضوعات ده گانه مورد پرسش از این قرار است:

باب اول: در آداب متصوفه و چگونگی احوال و معاملات ایشان. باب دوم: در لباس صوفیان. باب سوم: در شیخیت و حقیقت آن و ده خصلت که شیخ باید دارا باشد. باب چهارم: در حقیقت ارادت و نیاز مرید به مراد و ده خصلت که مرید باید دارا باشد. باب پنجم: در چگونگی خلوت و عزلت نشینی و اذکاری که باید بر آن مواظبت نمود. باب ششم: در شیوه مواجهه با خواطر و وارداتی که در هنگام مشاهدات و حالات به ذهن و ضمیر سالک می رسد. باب هفتم: در اصل و سند خرقة و اهلیت سالک برای دریافت آن. باب هشتم: پاسخ به این پرسش که آیا سلب تکلیف برای سالک که در عالی ترین مراتب سلوک است ممکن است؟ باب نهم: پاسخ به این پرسش که آیا انحراف از تکالیف شرعی و دوری از واجبات ممکن است؟ باب دهم: در حکم هم نشینی با حاکمان ستمکار و نشست و برخاست با پادشاهان.

ذیل فصل دهم مجدالدین بخشی را به مسئله «سماع» اختصاص داده است.

چاپ و ترجمه های کتاب

این کتاب توسط محمدباقر ساعدی خراسانی به زبان فارسی برگردانده شد و در سال ۱۳۶۸ منتشر شد. براساس همین ترجمه و به پیشنهاد ساعدی خراسانی ترجمه منظومی از آن هم توسط سیدصدرالدین شهیدی صورت گرفت که با عنوان ره آورد خوبان منتشر شد. البته ترجمه فارسی دور از سهو و اشتباه نیست و مترجم به صلاحدید خودش بخشی از کتاب را حذف یا به بخشی دیگر عباراتی افزوده است. بویژه تعصب مذهبی وی را بر آن داشته که بیشتر مطالب

۱. در برخی نسخه ها نام پرسنده خواری و گاه خوارزمی ثبت شده است.

مربوط به سه خلیفه نخست را حذف کند و جملات احترام آمیزی را در توصیف حضرت علی (ع) بیفزاید. این کتاب اخیراً در بیروت منتشر شده است اما نگارنده هنوز به این کتاب دسترسی پیدا نکرده است. همچنین عنوان رساله دکتری خانم طاهره فیضی دانش آموخته دوره دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب در سال ۱۳۹۹ «تصحیح و تحقیق کتاب تحفه البره فی المسائل العشره نوشته مجدالدین بغدادی به همراه مقدمه تحلیلی» بوده است.

درباره ابن الأَطعانی و آثار او

یکی از عارفانی که در مناطق غربی سرزمینهای اسلامی می زیست و همواره کتاب تحفة البره مجدالدین بغدادی را با خود داشت شمس الدین محمد الأَطعانی الحلبي البسطامي (م. ۸۰۷ ق.) است. او نسب خود را به بایزید بسطامی میرساند ولی زادبوم وی شهر حلب بوده است. دو نسخه به خط خود وی باقی مانده است که در انجامه آن خود را چنین معرفی میکند:

شمس الدین محمد بن احمد بن محمد، الحلبي مولداً، باین الأَطعانی مشتهداً، البسطامي طریقه و مشرباً. (۷۴۸ - ۸۰۷ ق.). از مشاهیر علمای قرن هشتم هجری در حلب بوده است. هرچند پدران وی از خاندانی بسطامی و خراسانی بودند اما مولد و موطن وی حلب بوده است. او طریقت خود را نیز بسطامی می داند که از طریق خرقة و ذکر آن را دریافته است. زرکلی او را چنین معرفی میکند:

«محمد بن احمد بن محمد بن ابی الفتح ابن ابی سالم، شمس الدین بن الأَطعانی البسطامي الحلبي. در شهر حلب در شعبان ۷۴۸ چشم به جهان گشود و در سال ۸۰۷ در همان شهر از دنیا رفت. او نزد الزین البارینی تحصیل فقه کرد. نیابت قضا را به وی پیشنهاد کردند که نپذیرفت. به بیت المقدس رفت و خرقة تصوف را از عبدالله بسطامی دریافت نمود و بارها در مکه مجاور شد و در حلب در زاویه ای بیرون دروازه الجنان گوشه گیری اختیار کرد»^۲.

ابن اطعانی خود را از نسل و سلسله بایزید بسطامی می داند که اجداد وی به نواحی غربی سرزمین های اسلامی مهاجرت کرده بودند. ظاهراً فرقه بسطامیه در خانقاهی در حلب جایگاهی به نام بسطامیه از آن خود داشته اند. در ترقیمه کتاب روضة الحبور ومعدن السرور می نویسد که کتاب را در زاویه بسطامیه حلب نوشته است.

۱. تذکره المرید لطلب المزید، دستنویس شماره ۲۲۵۰، کتابخانه دانشگاه پرینستون.

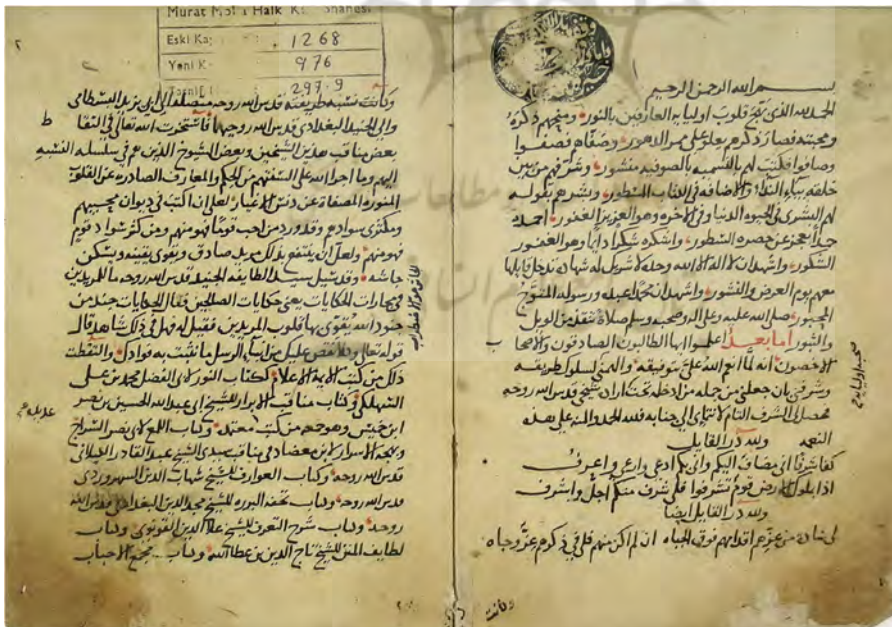
۲. اعلام زرکلی، ج ۵: ۳۳۰



دستنویس تذکره المرید در کتابخانه پرنستون به شماره ۲۲۵۰ به خط اطعانی تاریخ ۷۹۷ق.

۴۸۰

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴



صفحه نخست روضه المحبور و معدن السورور کتابخانه مرادملا ۱۲۵۶ تاریخ ۷۹۷ق.

ابن الأطعانی در کتاب روضة الحبور ضمن یادآوری کرامات و مقامات جنید بغدادی و بایزید بسطامی تلاش می‌کند تا نسب خود و خاندانش را از طریق ذکر و خرقة به جنید بغدادی و بایزید بسطامی برساند. او در گزارشی که از سلسله تلقین ذکر خود می‌دهد بارها یادآوری می‌کند که ذکر وی به طریق جهر بوده است. ابن الأطعانی هم در تذکره المرید و هم در روضة الحبور سند سلسله تلقین ذکر و خرقة خود را ذکر کرده است. در متن از کتاب روضة الحبور و معدن السرور ادعای اطعانی که سند خرقة خود را از طریق بایزید بسطامی به پیامبر (ص) می‌رساند می‌آید. پس از آن در مورد تلقین ذکر مشایخ خود می‌نویسد که از طریق جنید به حسن بصری ختم می‌شود.

«القسم الاول: فی ذکر بیان طریقنا فی ذلك إلى الشيخ أبي يزيد قدس الله روحه.

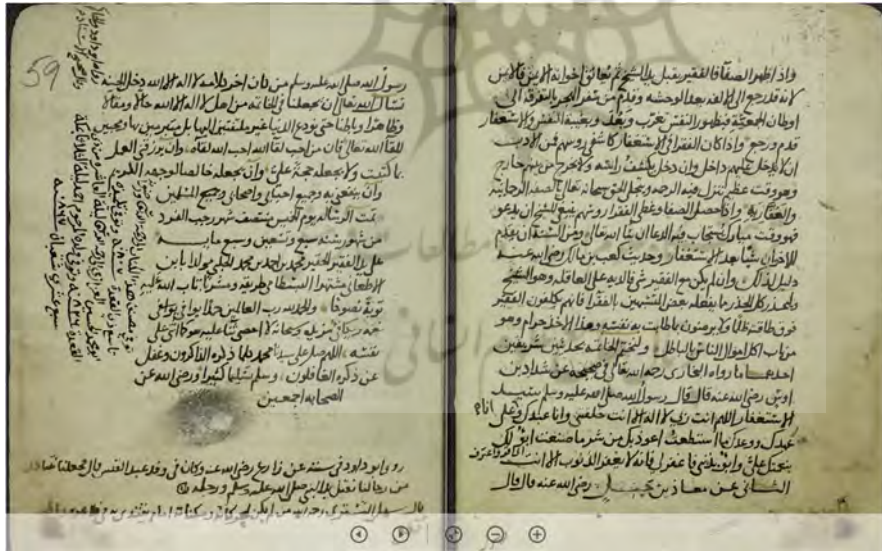
ألبسني شيخی - قدس الله روحه - خرقة التشبيه، وخرقة الإرادة، وخرقة التصوف فی أوقات مختلفة، وأحوال متباينة، ولقني ذکر لا إله إلا الله جهراً، وهو لبسها وتلقن ذکر الجهر من شيخه الشيخ على البسطامی، وهو لبس وتلقن من شيخه الشيخ قوام الدين البسطامی، وهو أحد جميع ذلك من والده الشيخ جمال الدين عبد الحميد البسطامی، وهو أخذها من والده الشيخ نجم الدين فضل الله، وهو أخذها من عمه الشيخ جلال الدين مسعود، وهو أخذها من عمه الشيخ بجد الدين شاهنشاه، وهو أخذها من والده الشيخ جمال الدين عبد الحميد، وهو أخذها من والده الشيخ جمال الدين على، وهو أخذها من والده الشيخ عزيز الدين عبد العزيز، وهو أخذها من والده الفقيه الشيخ جمال الدين عبد الحميد وهو أخذها من والده الشيخ الوحيد الفريد قطب الرجال وكوكب الإقبال برهان الموحدين وإمام العارفين شيخ المشايخ أبي عبد الله محمد بن علي الداستاني البسطامی، وهو أخذها من الشيخ حسن الدرزجي، وهو أخذها من الشيخ أبي بكر أمهان، وهو أخذها من الشيخ إبراهيم كيسان، وهو أخذها من الشيخ عمى أبي موسى، وهو أخذها من عمه برهان الموحدين، وسلطان العارفين الشيخ أبي يزيد البسطامی، وهو صحب الإمام جعفر الصادق، وهو صحب أباه محمد الباقر، وهو صحب [١،٩٣] أباه زين العابدين وهو صحب أباه الحسين، وهو صحب أباه الإمام أمير المؤمنين على بن أبي طالب رضی الله عنهم أجمعين، وهو صحب رسول الله ﷺ تسليماً كثيراً.

القسم الثاني: فی ذکر بیان طریقنا بالذکر الشريف من طریق الجنید قدس الله روحه

لقنني شيخنا قدس الله روحه ذکر كلمة لا إله إلا الله حفياً بحركات ثلاث وأربع وهو تلقن الذکر الشريف من شيخه الشيخ علاء الدين البسطامی، وهو تلقن من شيخه الشيخ قوام الدين البسطامی، وهو تلقن من شيخه الشيخ قاسم السيرجاني، وهو تلقن من شيخه الشيخ عبد الله

البلياني، وتلفن من شيخه الشيخ أصل الدين الشيرازي، وهو تلقن من شيخه الشيخ ركن الدين السجاسي، وهو تلقن من شيخه الشيخ قطب الدين الأبهري، وهو تلقن من شيخه الشيخ شهاب الدين السهروردي، وهو تلقن من عمه وشيخه الشيخ أبي النجيب السهروردي وهو تلقن من شيخه الشيخ أحمد الغزالي، وهو تلقن من شيخه الشيخ فرج الزنجاني، وهو تلقن من شيخه الشيخ احمد الأسود، وهو تلقن من شيخه الشيخ ممشاد الدينوري، وهو تلقن من شيخه الشيخ أبي القاسم الجنيد، وهو تلقن من شيخه وخاله سري السقطي، وهو تلقن من الشيخ معروف الكرخي، وهو تلقن من شيخه الشيخ داود الطائي، وهو تلقن من شيخه الشيخ حبيب العجمي، وهو تلقن من شيخه الشيخ حسن البصري قدس الله أرواحهم^۱.

کتاب دیگر ابن الأطعانی که تذکرة المرید لطلب المزید نام دارد که در آن با استعانت از کتاب های پیشینیان تلاش می کند تا دستینه ای عرفانی درخور فراهم آورد. او این کتاب را در سال ۷۹۷ ق. تألیف کرده و تک نسخه بازمانده از آن در کتابخانه پرنستون نگهداری می شود. در ترقیمه این کتاب خود را چنین معرفی می کند: «محمد بن احمد بن محمد الحلبي مولدا و باین الأطعانی مشتهرا و البسطامي طريقة و مشرباً» (ابن الأطعانی، ۷۹۷ ق. ۵۹).



صفحه پایان تذکرة المرید کتابخانه پرنستون تاریخ ۷۹۷ ق.

۱. دستنویس روضة الحبور و معدن السورور، مراد ملاملا ۱۲۵۶، ۹۴-۹۵. و روضة الحبور و معدن السورور، تصحیح احمد فرید المزیدی، قاهره: داره الکرز، ۲۰۰۴ ص ۱۹۸.



صفحه آغاز تذكرة المرید کتابخانه پرنستون تاریخ ۷۹۷ق.

از دیگر آثار اوست: تحفة الطالب المستهام فی رؤیة النبی علیه الصلاة والسلام. بغیة الطالب لأعز المطالب، المقدمة فی اصول الدین^۱.

۴۸۳

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

ابن الأظعانی و تحفة البره^۲

ابن الأظعانی در دو کتاب خود یعنی روضة الحبور و معدن السرور فی مناقب الجنید بغدادی و ابی یزید طیفور و کتاب تذكرة المرید لطلب المزیذ از کتاب تحفة البره مجدالدين بغدادی بسیار استفاده کرده است. وی در بخش های مرکزی کتاب تذكرة المرید بندهای فراوانی از کتاب تحفة البره را بدون هیچ دخل و تصرفی نقل می کند. نخستین بخش از فصل پنجم کتاب تحفة البره که در موضوع خلوت و عزلت است نقل می شود. ابن الأظعانی این بندها را که درباره تلقین ذکر شیخ است در فصل دوم کتاب خود که درباره آداب ذکر است می آورد^۳.

بخشهای دیگری که از کتاب تحفة البره برگرفته یکی در موضوع خواطر است که فصل ششم کتاب تحفة البره و فصل سوم کتاب ابن الأظعانی را تشکیل می دهد. ابن الأظعانی در بخشی از

۱. الضوء اللامع ج ۸۱۷ و اعلام النبلاء ۱۴۴/۵ - ۱۴۷

۲. لازم به یادآوری است که خانم فیضی در رساله دکتری خود در صفحه ۱۸ به کتاب تذكرة المرید لطلب المزیذ و تأثیر تحفة البره بر آن در یک جمله اشاره کرده است.

۳. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۴۱ و ۴۲ و تذكرة المرید، دستنویس پرنستون، شماره ۲۲۵، ص ۲۴

این فصل از کتابش مطالب باب ششم تحفة البره را از ابتدا تا حدود دو سه صفحه کامل نقل می‌کند. او طبقه‌بندی مجدالدین را پیشنهاد می‌کند و انواع خواطر را براساس کتاب وی برمی‌شمرد. خواطر نفسانیه، شیطانیه، ملکیه، قلبیه، روحیه، شیخیه و الهامیه^۱.

بخش دیگری که به طور مستقیم از کتاب تحفة البره نقل می‌شود در همان باب سوم است که در باب الباس خرقه و اسناد آن است. البسطامی یادآوری می‌کند که مجدالدین فصل مشبعی در این باب آورده که بخشی از بندهای آن را که اتفاقاً در نقد مشایخی است که حب جاه و مال ایشان را مریدپرست کرده، نقل می‌کند. در این بخش مجدالدین نقلی از کتاب کشف المحجوب دارد که البسطامی آن را نیز عیناً از کتاب تحفة البره می‌آورد^۲.

«فأما لغيرهم الذين نبغوا في زماننا أمثالهم فيحرصون على إلباس الخرقه لإثبات الشيخية وحبّ الجاه والحرص على كثرة المریدین. فلا والله بل سنة الله تعالى أن تظهر آثار الشقاوة على مریديهم في الدنيا وعليهم وعلى مریديهم في الآخرة كما قال الشيخ أبو الحسن على بن عثمان الغزنوي في كتاب كشف المحجوب بينما كنت أسير في خدمة شيخى بأذربايجان إذ رأينا طائفة من أصحاب الخرق قائمين على بيدر في الصّحرا بين يدي الحزّائين اخذين بأطراف مرقعتهم يلتمسون شيئاً من الحنطة. فالتفت إليهم الشيخ وقرأ هذه الآية: أولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما ربحت تجارتهم وما كانوا مهتدين. [البقرة: ۱۸] فقلت أيها الشيخ تبرك أيّ حرمة ابتلاههم الله تعالى لهذا وفضحهم حتى افتضحوا على رؤس الخلائق؟ فقال: كان لمشايخهم حرص على كثرة المریدین و لهم حرص على جمع الدنيا وليس أحد الحرصين أولى من الآخر.»

الأطعانی در کتاب دیگر خود روضه الحبور نیز هم نام مجدالدین و هم کتاب تحفه البره را می‌آورد و بخش‌هایی از کتاب را نقل می‌کند. در ابتدای کتاب نام اهم آثاری که در تدوین کتابش از آنها سود برده است را می‌آورد که نام تحفة البره در میان کتابهایی چون کتاب اللمع ابو نصر سراج و عوارف المعارف سهروردی جای دارد^۳.

۱. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۵۱ و تذکرة المرید، ۲۶.

۲. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۶۷ و ۶۸ و تذکرة المرید، ۲۵.

۳. روضه الحبور نسخه خطی، مرادمل، ص ۲. متأسفانه نام کتاب تحفة البره در نسخه چاپی کتاب روضه الحبور حذف شده است. بطورکلی نسخه تصحیح شده محقق مصری چندان قابل اعتماد نیست. در برخی جاهای دیگر نیز سهوهای پیدا میشود.

بندی از این کتاب که الأطعانی به آن علاقه مند است در موضوع الباس خرقه و نقل حدیث ام خالد است که مجدالدین می نویسد که این مطلب را را به خط خود سهروردی در اجازت نامه ای دیده است^۱. البته این حدیث در عوارف المعارف نیز ذکر شده است:

«قال: حدثتني أم خالد بنت خالد قالت «أتى النبي عليه السلام بثياب فيها خميصة سوداء صغيرة. فقال: من ترون أكسو هذه؟ فسكت القوم، فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم - ائتوني بأم خالد، قالت فأتيت بي، فألبسنيها بيده. فقال أبلت واخلقتي، يقولها مرتين، و جعل ينظر إلي علم في الخميصة أصفر وأحمر ويقول يا أم خالد هذا سناه، و السنه هو الحسن بلسان الحبشة»^۲.

بند دیگری که مورد توجه الأطعانی قرار می گیرد رؤیا یا واقعه خود مجدالدین است. در تحفة البره او جایی از خود می پرسد که چرا طی طریق در زمانه او سهل تر از ادوار پیشین است و در رؤیا خداوند راهی را به او می نمایاند که پر از مشعل های نورانی است و آن ارواح مشایخ است. و مجدالدین درمی یابد به سبب وجود مشایخ بزرگ از عهد پیامبر تاکنون راه روشن تر و نورانی تر و طی طریق آن سهل تر شده است^۳.

خطر بیالی فی أثناء الخلوته أنه لم صار سلوك الطريق في زماننا أسهل مما كان في زمن المشايخ المتقدمة والسلف من سادات الأمة فأراني الله تعالى طريقاً فسيحاً انقلب البصر عن إدراك كنهه خاشئاً وهو حسيير وإذا هو مملو بالمشاعل والأنوار وألقى في روعي أوان الرؤية هذه هي الطريقة وإن المشاعل والأنوار هي أرواح المشايخ وكلما يزداد الأنوار في الطريق يقل الظلمة فيسهل السلوك.

تفسیر حدیث معروف الإسلام بدأ غريباً... را هم که مجدالدین در تحفه البره آورده، الأطعانی در روضة الحبور نقل کرده است^۴. این حدیث یکی از زیباترین احادیث در باب نور اسلام است. مجدالدین برای اسلام و ایمان و احسان نوری قائل است. چون باطن فرد به تیرگی روی آورد نور اسلام و ایمان در درون او خاموش می شود و جز با معالجه امکان درمان آن وجود ندارد. در این بخش مجدالدین، که طبیب نیز بوده است، حال مرید را به بیماری تشبیه می کند که برای درمانش باید از هرآنچه بر شدت بیماری او می افزاید پرهیز کند و از داروهایی استفاده کند تا نور باطن وی را افزایش دهد و بر تیرگی غلبه نماید.

۱. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه، ص ۶۲، روضة الحبور ص ۲۰۱ چاپی.

۲. عوارف المعارف؛ ج ۱؛ ص ۱۱۰

۳. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۶۸ و روضة الحبور، ۲۰۰۴، ص ۲۰۴

۴. تحفة البره، دستنویس ایاصوفیه ۱۶۹۵، ص ۸. و روضة الحبور، ۲۰۰۴، ۲۰۵

«... فإِنَّه إذا ظهرت الإرادة في القلب وتحلّى العبد بحلّية التوبة والإنابة فهو على نورٍ مغلوبٍ مستكن في القلب غريب في ولاية الظلمة، كما قال عليه السلام: «الإسلام بدأ غريباً وسعود كما بدأ غريباً فطوبى للغرباء» فإن نور الإسلام يبدو غريباً في ولاية ظلمة الجحود والإنكار فإنه كما أنّ للإسلام نوراً ولإيمان نوراً ولإحسان نوراً...»

دو کتاب تحفة المرید لطلب المزيد و روضة الحبور و معدن السرور به فاصله دوسال از هم در سالهای ۷۹۷ق. و ۷۹۹ق. در زاویه بسطامیه حلب کتابت شدند. امروز بیش از ششصدسال از عمر این نسخه ها می گذرد. گذر ایام و دست سرنوشت این دو برادر گمشده را یکی به پرینستون در آمریکا رسانده است و دیگری در کتابخانه ای در استانبول. اما آیا آن دو هیچگاه به سرزمین اصلی خود (حلب) بازخواهند گشت و در کنار هم جای خواهند گرفت؟



فهرست منابع

- الأعلام (قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین)، خیرالدین زرکلی، جلد ۸، دار العلم للملایین، لبنان، بیروت، چاپ: ۸، ۱۹۸۹ م.
- تذکره لباب الالباب، عوفی، محمد بن محمد، به اهتمام ادوارد گرانویل براون. مصحح و مقدمه نویس محمد بن عبد الوهاب قزوینی، جلد: ۱، صفحه: ۲۹۲، ۱۳۶۱ ه. ش.، تهران - ایران، کتابفروشی فخر رازی
- خیرالمجالس ملفوظات حضرت شیخ نصیرالدین محمود چراغ دهلی، حمید قلندر، ۱۹۵۹، با تصحیح و مقدمه و تعلیقات خلیق احمد نظامی، انتشارات مسلم یونیورسیتی گده، ص ۲۶۶.
- روضه الحبور و معدن السرور، تصحیح احمد فرید المزیدی، قاهره: داره الکرز، ۲۰۰۴.
- سفارت نورالدین عبدالرحمن اسفرائینی، محمدرضا جلالی نایینی، نشریه وزارت امور خارجه ایران، شماره ۱۰، دوره دوم.
- عوارف المعارف، شهاب الدین ابو حفص سهروردی، جلد ۲، مکتبه الثقافه الدینیة، قاهره، ۱۴۲۷ ق.
- مشاهیر رجال اسفرائین، غلامرضا فسنگری، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱.
- معجم البلدان، یاقوت حموی یاقوت بن عبد الله. سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، ۱۳۸۰.
- منارات السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح سعید عبدالفتاح، قاهره: دارسعاد، ۱۹۹۳.
- منارات السائرین و مقامات الطائرین، نجم الدین رازی، تصحیح معاصم ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه: ۲۰۰۴.

دستنویس ها

- تحفة البره، مجدالدین بغدادی، استانبول، کتابخانه ایاصوفیه، تاریخ ۷۱۱ ق.، شماره ۱۶۹۵.
- تحفة البره، مجدالدین بغدادی، استانبول، کتابخانه قره چلبی زاده، شماره ۳۵۳.
- تذکره المرید لطلب المزید، ابن الأطعانی، کتابخانه دانشگاه پرینستون. تاریخ ۷۹۹ ق. شماره ۲۲۵۰.
- تفسیر بحرالحقائق والمعانی فی تفسیرالقرآن، نجم الدین رازی، دستنویس کتابخانه حسنی پاشا، تاریخ ۶۴۷ ق. شماره مکرر ۳۷.
- روضه الحبور معدن السرور، استانبول، کتابخانه مرادملا، تاریخ ۷۹۷ ق. شماره ۱۲۵۶.
- نامه مجدالدین بغدادی به شمس الدین، دستنویس مجلس شورای اسلامی شماره ۵۹۸ ص ۳۶۳